



به مناسبت ایام محرم

از نمایشگاه نوشتاری - تصویری «ستاره های آسمان کربلا»  
بازدید فرمایید.

این نمایشگاه شامل ۱۴ تابلو می باشد که کودکان و نوجوانان را که در صحنه کربلا حضور داشته و حماسه آفرینیده با بیان ساده و متناسب با سن کودکان معرفی می تعاوند.



به نام خداوند حسین (ع)

### ستاره های آسمان کربلا

حضرت امام حسین (ع) امام سوم شیعیان است و « سید الشهداء »

لقب معروف ایشان من پاشه

در آن زمان، مردم شهر کوفه یا توشن تن امام بسیاری از امام

خواستند به شهر کوفه بروایت، تا با رهبری ایشان، همگی ظلم و

ستم حاکمان در این پاشند

امام به نامه های مردم پاسخ دادند و همه خانواره و پارشان به

ستم کوفه حریکت نکردند، دشمنان خالق که دوست نداشتند امام به

شهر کوفه برسند بین راه در صحرایی بنام « کربلا » مانع

سفر ایشان شدند و مظلومانه امام و پارشان را به شهادت

رساندند و خانواره ای بزرگ ارشان را به اسارت برده.

در کارون امام حسین (ع) کو دکانی نیز بودند که با استان خوچک

و لقب های بزرگ خود، از امام (ع) حمایت کردند که هر کدام

ستاره های روشی در آسمان کربلا هستند، پس بال های را

آمده تک و با ما به آسمان کربلا بروان کن



«محمد» (ع) ستاره‌ای عاشورایی و نوری در آسمان امامت: ایشان امام پنجم ما شیعیان، و للیشان بالقرآن  
پدر بزرگوار ایشان امام سجاد (ع) می‌باشد.  
الامام بالقرآن نو تکریلا سنه ساله بودند و تمام اتفاقات و  
حوادث تکریلا را به ذهن خود سپردند. ایشان مانند  
پدر گرامی شان به همراه پازماندگان کاروان  
امام حسین (ع) به اسارت رفتد.

و سخنی های اسراری را به همراه پدر و عمه‌ی  
بزرگوارشان حضرت زینب (ع) تحمل کردند. امام  
بالقرآن (ع) یکی از روایت‌کنندگان فاجعه‌ی کربلا بودند  
و همچنانه الحظه‌های سخت عاشورا را از پاد نبردند.



حضرت علی اکبر (ع) (ستاره‌ی زیبای آسمان کریلا و شیوه تزیین الفسان به پیامبر خدا (ص)) روز عاشورا است. دشمنان آب را به روی یاران امام حسین (ع) بسته اند و گردکان شنیده می‌باشد. حضرت علی اکبر (ع)، پسر جوان امام حسین (ع)، چند مرتبه به سمت رود فرات رفته و موفق شدند برای گردکان آب پیاووند. لیشان بسیار شجاع بودند هر کس که حضرت علی اکبر (ع) را من دید، متوجه می‌شد که لیشان شماست بسیار زیادی با پیامبر کرامی اسلام (ص) دارد. هر کاه دل امام حسین (ع) برای پیامر اساتیگ می‌شدند. حضرت علی اکبر را در آتشش نگرم خود می‌گرفتند و چهره‌ی لیشان را شاشا می‌گردند. وقتی که حضرت علی اکبر (ع) از پدر پیوندگار ارشاد اجازه‌ی جنگیدن با دشمنان خواسته، امام فرمودند: «شهاوت در راه خدا چیزگونه است؟» حضرت علی اکبر (ع) پاسخ دادند: «شهاوت در راه خدا نزد من از عمل شیرین تر است». سپس به دیدن چنگ و قله و آن چنان شواعت‌های جنگیدند که دو لشکر دشمن نرس و وحشت ایجاد شد. لیشان اولین شهید از قبیله بنی هاشم و ستاره‌ی زیبای و درخششان در آسمان کریلا مستقر.

### ستاره‌ای بنام علی اصغر<sup>(۱)</sup>

دشمنان، آپ را بر روی کاروان امام حسین<sup>(۲)</sup> بست

بودند

صدای گریه‌های علی اصغر<sup>(۳)</sup> به کوش پدر مهردادش  
می‌رسید. امام طاقت گریه‌های نوران شش ماهه‌ی  
خود را خاشست. به تنهیه‌های فتنه و از مردم آغوش  
گرفتند.

علی اصغر شسته بود و می‌تابیم می‌کرد.

امام او را به روی دستان خود گرفتند و به دشمنان  
بگشتن:

«اگر به من رحم نمی‌کنید به لین کردک شیر خوار رحم  
نگذین...»

مثل اینکه آسمان مستقر علی اصغر شش ماهه بود  
دشمنان می‌خواستند با به شهادت رساندن علی اصغر  
امام را ناراحت و تسليط نکند اما امام نمی‌دانست که خدا  
شاهد سخن‌ها و ناراحتی‌ها بیش است. پس مقابله‌ی از  
خون علی اصغر را به آسمان پاشیدند تا علی اصغر  
هم ستاره‌ی پر نوری در آسمان گریلا باشد.





### هزاریک ترین ستاره به ماه

آسمان کربلا به سیار بزرگ است و ستاره های  
در آن ریاضی ندارد نام یکی از این ستاره ها  
حضرت رقیه است . این ستاره سه ساله  
است.

امام حسین (ع) خود را «رقیه» را خلیل روست  
داشتند، پیشتر او را رقیه را روی پاهاش خورد  
من گذاشتند و نوازش من کردند  
وقاتی که جنگ در کربلا شام شد دشمنان،  
خلواته در امام حسین (ع) را اسیر کردند و آن ها  
را به خرابه ای در شهر شام برداشتند.

رقیه اما من را نیست که پدرش به شهادت رسیده  
است و اکنون ماه در خشان آسمان کربلا من باشد  
دل رقیه، برای پدر تنگ شده بود هر شب به  
آسمان نگاه می کرد.

آنقدر در خرابه های شام از دوری پدر کوچیه نگرد  
تا او هم به ستاره ای پر نور تبدیل شد و به نزد  
پدرش رفت  
در آسمان کربلا او هزاریک ترین ستاره به ماه  
است.



## عبدالله بن حسین (ؑ) کوچک ترین ستاره‌ی کربلا

در گرامی ظهر هاشمی، زمانی که پیغمبر از امام به شهادت رسیده بودند مسلمان نورزادی شنیده شد.

نام این نورزاد عبدالله، پسر امام حسین (ؑ) بود.  
امام با مهربانی نورزاد قلاده به دنیا آمد و این را  
در آلوش گرفتند و با مسلمان گرم خورد. در  
گوش نورزاد آذان و اقامه خواندند.

امام حسین (ؑ) هنوز عبدالله را در آلوش  
ماشتن که داشتند، به نورزاد امام رحم شکردند  
و او را به شهادت رساندند.

عبدالله که یک سانت از تولدش نمی‌گذاشت  
در دستان امام آرام گرفت و تبدیل به ستاره‌ای  
کوچک در آسمان کربلا شد.



حضرت قاسم (ع) ستاره‌ای نورانی در آسمان کربلا و  
پادگان امام دوم حضرت امام حسن (ع)  
حضرت قاسم پسر امام حسن (ع) من یاشد او نوجوانی نایر  
است که عصی خود امام حسین (ع) را بسیار بسته دارد  
زمیل که حضرت قاسم (ع) برای نیفون به میدان جنگ از  
حضرت امام حسین (ع) اجزه خواسته است امام ایشان را در  
آغوش مهرجان خود گرفته و هر دو به شدت کوبیده گردند و  
چون جرای امام سپهار سخت بود که پادگار برازدش به میدان  
جنگ بروید حضرت قاسم (ع) به عصی خود گفتند «شهید  
شدن در راه خدا برای من از هر شیرینش شیرین نیستم  
سپس وارد میدان شده در مقابل مشتمان اشماری خواندند که  
دل الشکریان لوزید و پس لز آن شجاعانه چنگیدند  
حضرت قاسم نیز ستاره‌ای نورانی شدند و در آسمان کربلا  
درست در کنار حضرت علی اکبر (ع) جانی گرفتند



عبدالله ستاره‌ی کوچک امام حسن<sup>(ع)</sup>

عبدالله اصغر، پسر امام حسن<sup>(ع)</sup> می‌باشد که در کلروان امام حسن<sup>(ع)</sup> حضور نداشت. عبدالله عمویش - امام حسن<sup>(ع)</sup> را خیلی دوست داشت و شاهد جنگ کربلا بود.

زمانی که عبدالله عموی خود را در میدان جنگ تنها دید به سمت ایشان روید تازی امام حسن<sup>(ع)</sup> رفاقت کرد امام حسن<sup>(ع)</sup> بر روی زمین آتشانه بود. عبدالله در آغوش عمو قرار گرفت و لجهزه نمی‌داد. دشمنان امام حسن<sup>(ع)</sup> را به شهادت پرستانند. اما دل های دشمنان بسیار سخت و می‌رحم بود. آن‌ها به عبدالله هم رحم نکردند و ... عبدالله در آغوش کرم عمو ارام، ستاره شد و در آسمان کربلا جانی گرفت.

A painting of a small boat on dark water under a crescent moon and palm trees.

### ستاره های درخشان زیبای اما

حضرت زیب اما خواهر بزرگوار امام حسین (ع) هست. ایشان امام حسین (ع) را خلی درست داشت و از کوکنی در کفار امام حسین (ع) بودند. ممه مانسته دل می فراز حضرت زیب اما با برادرش امام حسین (ع) آرام می کرد. حضرت زیب اما شاهد تسلیم برادرش بود که پسرانش «محمد» و «عون» را آمده ای جنگ با دمشقان نمود. حضرت زیب اما سوهای آنها را شان کرد و پیاس نمودن آنان بروشدند. آنها نیز با الجازه ای حضرت امام حسین (ع) به میدان رفته، شجاعانه با دشمنان جنگیدند و موانستند شهادت را نصیب خود کرده و به ستاره های آسمان کربلا اضلاع شوند.

## ستاره های مسلم بن علیل ۱۷

حصیده بخت مسلم بن علیل نا است او هم  
مانند هر بختی پدرش را درست می داشت  
امام حسین <sup>ؑ</sup> را می خوبید بود او هم  
می داشت حصیده چنین پدرش مسلم را  
دست دارد وقت خبر شهادت مسلم به امام  
رسید امام حسین <sup>ؑ</sup> حصیده را در آغوش  
گرفت و او را بهداشت تراویش کرد حصیده باش  
خیلی گرفته بود چون توانش های پائی اش  
او را به یاد پدر می کشاخت

بعد از توانش حضرت امام حسین <sup>ؑ</sup> حصیده  
متوجه شد که پدرش مسلم بن علیل نا به  
شهادت رسیده است اشک هایش جاری شد  
سرمه سوی اسنان برد و با پدر مهرابتش  
خداحافظی کرد





### ستاره های مسلم بن عطیل<sup>(۷)</sup>

مسلم بن عطیل<sup>(۷)</sup> دو کودک خردسال نیز داشت  
آنها نیز اسری شدند و یک سال را در زندان  
سپری کردند. حاکم ظالم و مستکر کوته عبده‌الله  
بن زید دستور داده بود که به آنها سلط تکریز  
کند.

آنها از آب و غذا نکالتی محروم بودند.  
روزهای سخت زندان می‌گذشت تا آین دو برادر  
تو استند فرار نکند عبده‌الله برای کسی که آنها را  
پیدا کند و جانشان را بگیرد جایزة تعیین کرده  
بود لذا مردم سپاه دل و ظالم آنها را  
مستکر کرد.

پسوان مسلم بن عطیل<sup>(۷)</sup> نس قرسهد چون  
من داشتم پدرشان بر آسمان جایی برای آنها  
گذاشت است.

آن مرد بی رحم هر دوی آنها را به شهادت  
رساند پنایین آن دو کودک نورانی کفار  
ستاره های آسمانی کربلا قرار گرفتند.

### ستاره های سلم بن عقیل<sup>(۱)</sup>

عبدالله و محمد فر در برابرند. آنها پسران  
سلم بن عقیل<sup>(۲)</sup> هستند آنها همانند پدر، براز  
شهادت و حمایت از امام حسین<sup>(۳)</sup> آمده  
بودند. لازم است این اجازه کرند و به میدان جنگ  
رفته.

آنها مشتاق دیدار پدر بودند و من داشتم که  
آسمان جای ملاقات آنهاست و با این که  
تو جوان بودند در میدان جنگ شجاعته با  
مشتعان مبارزه کردند تا به مقام بلند شهادت  
رسیده و روی خشان به آسمان پرواز کرو.

و آنها در آسمان کهربلا پدرخشن  
«سلم بن عقیل» را در آفوش کشیده و در  
جمع ستارگان آسمان کهربلا برخیست.



به من سلاح بدهدید نا مبارزه کنم

عمر و بن حسن<sup>(۲)</sup> یکی دیگر از تکردهایش بود که در تکریلا  
حضور داشت و به عمره خاتمه دی امام به اسارت  
رفت. یک روز پژوه مجلس تکفت و از حضرت امام  
سجاد (ع) خواست که در این مجلس حضور بپاده کند و  
عمر و هم در آن مجلس کفار امام سجاد (ع) بود.  
پژوه پسری هم سن و سال با عمر و به نام « خالد »  
داشت.

پژوه از پسر خود خالد خواست نا با عمر و کشان بگیرد.  
اما عمر و با شجاعت کفت : به من و خالد سلاح بدهدید نا  
با او مبارزه کنم.

پژوه از این فمه شجاعت عمر و خشمگین شد و تصمیم  
گرفت او را مجازات کند اما به علت اینکه عمر و سنان کم  
بود پژوه شرمذه شد و از مجازات وی منصرف گردید.

آسمان بلند کریلا با ستاره های کوچک و بزرگ خود در خشان است  
کجاوی آسمان را که نگاه نکن سtarه است و سیاره  
در کاروان ایام حسین<sup>ل</sup> کرد و پر جوانان دیگران نیز بودند که آنها هم  
ستاره شدند و هر چندیدن  
خوب لست که این ستاره ها را در معلم جوانان نکنیم  
**حسن بن الحسین<sup>ل</sup>**

حسن بن الحسین<sup>ل</sup> هنوز به بینا نیافرید بود که به میل مسنتی ها  
و مشکلات کاروان اسراران از نهادهایت و ستاره ای من آسمان کریلاشد و  
فاخته و سکینه<sup>ل</sup>

دیگر دختران ایام حسین<sup>ل</sup> بودند که پا خانوارهای ایام حسین<sup>ل</sup> اسرار شدند  
از خانوارهای ایام حسین<sup>ل</sup> برادران بنزکوار ایام حسین<sup>ل</sup> نیز کردک و  
پر جوانان شجاعی بودند.

حسن بن حسن<sup>ل</sup> حسن مفتر، ابویکبر بن حسن و احمد بن حسن سرمان ایام  
حسن<sup>ل</sup> هستند، آنها نیز از ایام و عصری خود نفع کردند و ستاره شدند.  
برادران و دوستان ایام نیز هر چه داشتند برای مرا لای خود ایام حسین<sup>ل</sup> آنها  
کردند.

محمدابن ابی معبد غفران بن جناد ملاقیم بن حبیب و  
این ها همه ستاره اند که آسمان کریلا را نورانی تکریه کردند اما آسمان کریلا  
هنوز جای ستاره شدن دارد کافی است که تو فهم نکن را به ایام حسین<sup>ل</sup>  
پسپاری نه ستاره ای شروع در کار دیگر ستاره های آسمان کریلا ای  
**ایام حسین<sup>ل</sup>**